

جناس در غزل شهریار

(ص ۱۰۸ - ۹۳)

اسماعیل تاج‌بخش^۱، احسان سعیدی نیا (نویسنده مسئول)^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۹۱/۱۰/۱۷

تاریخ پذیرش قطعی: ۹۱/۱۱/۲۷

چکیده

غزل شهریار غزلی سنتی است همراه بابرخی ابتکارات در حوزه زبانی، ادبی یا فکری. سؤال اصلی پژوهش این است که نوآوریهای شهریار در حوزه زبان و استفاده از واژه‌های عامیانه و نو در شعر، با آرایه لفظی جناس چگونه بوده است؟ از این رو در این پژوهش نوآوریهای شهریار در آرایه جناس بررسی شده. به این منظور تمامی جناسهای موجود در غزل او بصورت آماری مطالعه شده است. نتایج نشان میدهد نزدیک به یک‌چهارم جناسهای غزل شهریار، همان جناسهای تکراری و کلیشه‌شده غزل سبک عراقی است که در این بخش شاعر ابتکاری نداشته است. در بخشی دیگر با هم‌نشینی تازه‌ای از واژه‌های کهن غزل سبک عراقی، جناسهایی نو و مبتکرانه بوجود آمده‌اند. همچنین او به کمک واژه‌های عامیانه و نو و گاه با هم‌نشینی آنها با واژه‌های دیرینه جناسهایی نو آفریده است. بخش دیگری از خلاقیت شاعر، محدود نماندن به انواع سنتی جناس است. او جناسهایی خلق میکند که در دسته‌بندیهای علم بدیع نمی‌گنجد اما نمیتوان از زیبایی و تأثیرگذاری آن چشم پوشید. یکی دیگر از ابتکارات شهریار، ترکیب جناس با آرایه‌های تکرار و واج‌آرایی (نغمه حروف) است که زیباییهای حاصل از تکرار واجها را مضاعف کرده است. همچنین او با نزدیک کردن واژه‌های جناس در یک بیت، تأثیر موسیقایی آن را می‌افزاید. بررسی آماری نشان میدهد در بیش از هفتاد و پنج درصد جناسهای غزلیات شهریار، نوعی ابتکار و خلاقیت وجود دارد و نوآوریهای او در جناس چشمگیر است و میتوان آن را ویژگی سبکی غزل او دانست.

کلمات کلیدی

جناس، غزل، شهریار، تکرار، واج‌آرایی

۱. دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبائی (ره)

۲. کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی saeediniaehsan@gmail.com

مقدمه

شهریار غزلسرای بزرگی است که با غزل خود پس از چند قرن جان تازه‌ای به این قالب شعر فارسی می‌دهد. (این ترک پارسی‌گوی، منزوی: ص ۲۳) هر چند او شاعر معاصر است اما غزل او الگوگرفته از غزل سبک عراقی است و غزل‌های زیادی در استقبال و به اقتضای شاعران سبک عراقی مانند حافظ و سعدی سروده‌است. (این ترک پارسی‌گوی، منزوی: ص ۲۴) برخی شعر شهریار را عاشقانه سنتی میدانند. (ادوار شعر فارسی، شفیع کدکنی: ص ۵۶) در بررسی آرایه‌های شعر شهریار باید به این نکته توجه داشت که خاستگاه شعری او غزل سبک عراقی است و او در غزل شاعری سنتی است. هرچند او در غزل خویش نوآوری‌هایی نیز دارد که بخشی از آن محتوایی و بر پایه اصول سنتی است. (سنت و نوآوری در شعر معاصر، امین‌پور: ص ۴۰۵)

زبان شعر شهریار اگرچه زبان سبک عراقی است اما یکی از ویژگی‌های آن نوآوری‌های زبانی در استفاده از اصطلاحات و واژه‌های نو، عامیانه و گاه غیرشاعرانه است. (این ترک پارسی‌گوی، منزوی: ص ۲۵) غزل شهریار آراسته به صنایع بدیعی است و در این میان جناس بیش از هر صنعتی مورد علاقه اوست. (این ترک پارسی‌گوی، منزوی: ص ۳۴) جناس به عنوان صنعتی لفظی طبیعتاً تحت تأثیر زبان شعر است. سؤال اصلی این پژوهش این است که بهره‌گیری شهریار از اصطلاحات و واژه‌های نو در آرایه‌ای لفظی مانند جناس چه تأثیری داشته‌است. از این رو بجاست تا با بررسی جناس در یکی از مهمترین بخش‌های شعر شهریار یعنی غزلیات او، نوآوری‌های او در آفرینش جناس بررسی شود که چنین پژوهشی تا به حال انجام نشده است. در کنار جناس‌های تکراری شعر فارسی در غزل شهریار جناس‌های تازه و مبتکرانه‌ای نیز دیده می‌شود. نکته مهمی که در آفرینش جناس در غزل این شاعر دیده می‌شود رها شدن او از قالب‌ها و فرم‌های سنتی جناس است. نوآوری او در جناس به انواع سنتی محدود نمی‌شود و انواعی را در بر می‌گیرد که به ظاهر در هیچیک از دسته‌بندی‌های سنتی نمی‌گنجد اما از زیبایی هنری و موسیقی لفظی آن نمیتوان چشم پوشید.

انواع جناس در کتب سنتی

جناس آن است که در سخن واژه‌هایی بیاید که لفظاً یکسان یا مشابه باشند و معنأ متفاوت. (بدیع از دیدگاه زیبایی‌شناسی، وحیدیان کامیار: ص ۲۳) یا در بیانی کلیتر جناس هر نوع اشتراک در مصوت‌ها و صامت‌های کلام است. (موسیقی شعر، شفیع کدکنی: ص ۳۰۱) زیبایی جناس و جنبه هنری آن ناشی از دو چیز است:

۱. دریافت تشابه آوایی دو واژه

۲. کشف تفاوت معنایی در عین تشابه آوایی (بدیع از دیدگاه زیبایی‌شناسی، وحیدیان کامیار: ص ۲۴)

در علم بدیع جناس به انواع مختلفی تقسیم میشود که برخی از این تقسیم‌بندیها چندان روشن و کاربردی نیست. در منابع مختلف این تقسیم‌بندیها متفاوت و گاه متعارض و آشفته است و در بسیاری موارد چندان جامع و قاعده‌مند نیست. این آشفتگی تنها ایراد این دسته‌بندیها نیست و اشکال اصلی آن است که در مواردی زیبایی هنری جناس را مشخص و متمایز نمیکند. یک دسته‌بندی کارآمد آن است که با توجه به تأثیر هنری جناس - یعنی بالا بردن موسیقی لفظی کلام - انجام شود و به عبارت دیگر انواع مختلف از جناس در عمل از نظر تأثیر موسیقی کلام به خوبی متمایز و متفاوت باشند در حالی که در دسته‌بندی سنتی چندان چنین نیست. از این رو در این پژوهش برای بررسی جناسهای غزل شهریار انواع گوناگون جناسهای سنتی در شش نوع اصلی خلاصه شده است. این دسته‌بندی فرضی و پیشنهادی چند ویژگی دارد:

۱. تمایز و تفاوت جناسها را از نظر موسیقی کلام، بهتر مشخص میکند.
۲. نسبت به دسته‌بندیهای سنتی، مرتبتر و کم‌شمارتر است و جناسها را افراز میکند.
۳. برای پی‌جویی و بررسی نوآوریهای شهریار در آفرینش جناس گویاتر است. بر این مبنا جناسها این طور دسته‌بندی میشوند:
۱. تام: تطابق کامل (آوایی و نوشتاری) و تفاوت معنایی: مهر و مهر
۲. غیرتام: تفاوت (آوایی یا نوشتاری) در حد یک واج (یا حرف): یاد و یار - خار و خوار
۳. مرکب: شباهت دو گروه از واژه‌های کنار هم قرار گرفته: پروانه و پروا نه
۴. قلب: جابجا شدن واجها: شعر و شرع
۵. اشتقاق: اشتقاق (یا شبه‌اشتقاق) دستوری دو واژه (فارسی یا عربی): طالع و طلعت - فراغ و فروغ

مهمترین نکته در این دسته‌بندی ادغام کردن گروه بزرگی از جناسهای غیرتام مانند «مضارع»، «لاحق»، «وسط» و «مذیل»، «مطرف»، لفظی و... در یکدیگر است که از نظر تأثیر موسیقایی چندان متفاوت نیستند. البته جناس «خط» که اساساً موسیقی لفظی مشخصی ایجاد نمیکند در نظر گرفته نشده‌اند.

نوع دیگر که در بررسی غزل شهریار محسوس است که در این پژوهش جناس «مفصل» نامیده شده است:

۶. مفصل: هر نوع جناس بین بیش از دو واژه: صفا، صوفی، صفی، صافی
- در این جا بجاست به دو آرایه دیگر که از نظر «نوع زیبایی» به دلیل تکرار یک یا چند واج به جناس شباهت دارند اشاره شود:

۱. تکرار یا تکریر: تکرار یک واژه به صورت پراکنده یا پشت سرهم در یک بیت (نگاهی تازه به بدیع، شمیسا: ص ۶۰) تکرار اگرچه از خانواده جناس نیست ولی به لحاظ نقش موسیقایی می‌تواند همان وظیفه را عهده دار شود. (موسیقی شعر، شفیعی کدکنی: ص ۳۰۵) در برخی منابع تکرار از انواع جناس به شمار آمده‌است. (فرهنگ اصطلاحات ادبی، داد: ص ۱۵۶)

۲. نغمه حروف یا واج آرای: تکرار یک حرف در یک مصراع یا بیت (فتون ادبی، احمدنژاد: ص ۱۲۴) به طوری که موسیقی آن حس شود. این آرایه همحرفی و همصدایی نیز نامیده شده‌است که تکرار یک صامت یا مصوت در جمله‌است. (نگاهی تازه به بدیع، شمیسا: ص ۵۷ و ۵۸)

در این پژوهش در جستجوی انواع جناس همه غزلیات شهریار - که یکی از مهمترین بخشهای آثار اوست - بازخوانی شد و نزدیک به ۱۵۰ بیت که دارای جناسهای مشهود و مشخصی بودند یافت شد. اگر این ۱۵۰ بیت را با هدف مطالعه «نوآوریهای شاعر در جناس» بررسی کنیم جناسهای غزلیات شهریار را میتوان به شش گروه تقسیم کرد:

۲. جناسهای تکراری

جناسهایی که در شعر شاعران پیش از شهریار به ویژه شاعران سبک عراقی دیده میشود. جناسهایی که بسیاری از آنها آشنا و کلیشه‌ای شده‌اند. از آنجایی که شهریار بسیار تحت تأثیر شاعران سبک عراقی است این جناسها در شعر او نیز دیده میشود؛ برای نمونه:

خاتم ملک سلیمان مهرمهر خاتم است کاورد زیر نگین از آسمانت تا سمک
(دیوان شهریار، ج ۱: ص ۲۸۲)

که مثلاً در شعر زیر عیناً وجود دارد.
هر آدمی که مهر مهرت
و یا

دوش گیسوی تو را ریخته دیدم بر دوش خاطر آشفته‌ام امشب ز پریشانی دوش
(دیوان شهریار، ج ۱: ص ۲۷۴)

که جناس تام آشنایی است و مثلاً در شعر زیر عیناً وجود دارد:
آن سیل که دوش تا کمر بود امشب بگذشت خواهد از دوش
(کلیات سعدی: ص ۵۰۵)

و یا
شهریارا به جز آن مه که بری گشت ز من بری این گونه ندیدیم ز دیوانه بری
(دیوان شهریار، ج ۱: ص ۳۸۹)

جناسی که در این بیت مشهور آمده است:

سر تا قدمش چون پری از عیب بری بود
(دیوان حافظ: ص ۱۴۵)

آن یار کزو خانه ما جای پری بود

نمونه دیگر:

شهری به شاه پروری شهر یار نیست
(دیوان شهریار، ج ۱: ص ۱۲۸)

جز من به شهر یار کسی شهریار نیست

که در شعر حافظ آمده است:

مهربانی کی سرآمد شهریاران را چه شد
(دیوان حافظ: ص ۱۲۹)

شهر یاران بود و خاک مهربانان این دیار
نمونه دیگر:

شود دردم هزار ای گل چو فریاد هزار آید
(دیوان شهریار، ج ۱: ص ۲۳۹)

چو فریاد هزار آید شود دردم هزار ای گل

که در بیت دیگری از غزل معروف حافظ آمده است.

عندلیبان را چه پیش آمد هزاران را چه شد
(دیوان حافظ: ص ۱۲۹)

صدهزاران گل شکفت و بانگ مرغی برنخاست

و یا نمونه‌ای از جناس غیرتام:

رفتم از کوی تو لیکن عقب سر نگران
(دیوان شهریار، ج ۱: ص ۳۳۷)

از تو بگذشتم و بگذاشتمت با دگران

که در شعر سعدی نیز به چشم میخورد.

نگران تو چه اندیشه و غم از دگرانش
(کلیات سعدی: ص ۵۰۳)

هر که سودای تو دارد چه غم از هر دو جهانش

و نمونه‌های مشابه دیگر که از انواع جناس تام، غیرتام، قلب، اشتقاق و مرکب در آنها یافت میشود:

چندین کمین نکرده کمانهای چفته را
(دیوان شهریار، ج ۱: ص ۶۰)

این گوژپشت تیرقدان راست تر زند

با چشم سیر از سر عالم توان گذشت
(دیوان شهریار، ج ۱: ص ۱۴۰)

با جام می ز مملکت جم توان گذشت

یک جرعه عذب دارد و باقی عذاب عمر
(دیوان شهریار، ج ۱: ص ۲۵۵)

بد چشمه‌ای است عمر که از ما نکنده‌اند

که آستین بفشانند ماسوای تو را
(دیوان شهریار، ج ۱: ص ۶۸)

بر آستان خود این دلشکستگان دریاب

برو ای ترک که ترک تو ستمگر کردم	حیف از آن عمر که در پای تو من سر کردم (دیوان شهریار، ج ۱: ص ۲۹۶)
به امید دوستانم که دوباره بازگردم	سر عشق و داستانم چه امید و آرزویی (دیوان شهریار، ج ۱: ص ۴۴۲)
احرام بسته‌ای و حرامت نمیکنم	دل داری و به کعبه دلداری میروی (دیوان شهریار، ج ۱: ص ۴۲۷)
راه عدم نرفت کس از رهروان خاک	چون رفت خواهی این همه راه نرفته را (دیوان شهریار، ج ۱: ص ۶۰)
میخانه به دور سر من چرخد و اینم	پیمان که به چرخیدن پیمانم بمیرم (دیوان شهریار، ج ۱: ص ۳۰۷)
نیش و نوشت جهان خوش بهم انداخته‌اند	لذت عاشقی و ذلت رسوایی را (دیوان شهریار، ج ۱: ص ۸۹)
من اگر تار سر زلف تو گیرم در چنگ	تار در ناله رود چنگ درآید به خروش (دیوان شهریار، ج ۱: ص ۲۷۵)

همچنان که گفته شد در این جناسها نوآوری و ابتکاری دیده نمیشود. این گروه از جناسها نزدیک ۲۵ درصد از جناسهای غزلیات شهریار است.

۲. جناسهای نو با واژه‌های کهن

گروه دیگر از جناسهای غزل شهریار جناسهایی است که مواد سازنده آن واژه‌های متداول در غزل سبک عراقی است اما هم‌نشینی این واژه‌ها چندان سابقه‌ای ندارد و ابتکاری است. برای نمونه جناس دو واژه «طلاق» و «تلاقی» نوآورانه است. عموم این جناسها از نوع جناسهای غیرتام هستند.

خوشا طلاق تن و دلگشا تلاقی روح	که داده با دل من وعده لقای تو را (دیوان شهریار، ج ۱: ص ۶۷)
و یا دو واژه «بهایم» و «بهای» در بیت زیر	کاین بهایم نه بهای در و گوهر دانند (دیوان شهریار، ج ۱: ص ۲۱۹)

و یا بیت مشهور زیر که جناسی نو دارد و ارتباط معنایی دو واژه غزل و غزال نیز بسیار زیباست. هر چند جناس به ظاهر آرایه‌ای لفظی است اما دلالت‌های معنایی در برخی جناسها

ارزشی هنری آن را دو چندان میکند و آن را به آرایه‌ای لفظی - معنایی تبدیل میکند. بیت زیر این چنین است:

شهریار غزلم خوانده غزالی وحشی بد نشد با غزلی صید غزالی کردیم
(دیوان شهریار، ج ۱: ص ۳۲۵)

نمونه‌های دیگر از این نوع جناسهای نو با واژه‌های کهن:

بیا که این رمد چشم عاشقان تو ای شاه نمیرمد مگر از توتیای گرد سپاهت
(دیوان شهریار، ج ۱: ص ۱۴۹)

چه جای گنج سلاطین که تخت و تاج سلیمان خزاینی است به تاراج بادهای خزانی
(دیوان شهریار، ج ۱: ص ۴۱۶)

حرث جهاد است و این هرس که خدا کرد سرو و سمن نیز نخل پرثمر آید
(دیوان شهریار، ج ۱: ص ۲۴۰)

درون بیشه خاموش بس به تیشه باد خراشهای درختان که در خروش آمد
(دیوان شهریار، ج ۱: ص ۲۰۰)

شهریارا دم صبحی که خروسانه نبود یا به تبریز رسد یا به خراسان گذرد
(دیوان شهریار، ج ۱: ص ۱۶۹)

شهسوارا فرس بفرس ودی درکش از تاختن عنان فرس
(دیوان شهریار، ج ۱: ص ۲۶۸)

ماندم به چمن شب شد و مهتاب برآمد سیمای شب آغشته به سیماب برآمد
(دیوان شهریار، ج ۱: ص ۱۹۴)

نوشتم این غزل نغز با سواد دو دیده که بلکه رام غزل گردی ای غزال رمیده
(دیوان شهریار، ج ۱: ص ۳۷۷)

نیست جز ابرویش از هیچ کجم بیم هلاک گرچه خود خنجر چنگیز و هلاکو باشد
(دیوان شهریار، ج ۱: ص ۱۸۶)

این نوع از جناسهای غزل شهریار که حدود ۱۷ درصد کل جناسهاست دربردارنده نوآوریهای فراوانی است.

۳. جناسهایی با واژه‌های نو

این گروه، جناسهایی است که در آفرینش آن از واژه‌های نو و امروزی استفاده شده است. آنچنان که گفته شد شهریار در استفاده از اصطلاحات و واژه‌های امروزی و نو، صاحب

سبک است. او از واژه‌های نو شجاعانه استفاده می‌کند و همه ظرفیتهای آنها از جمله شباهتهای لفظی آنها استفاده می‌کند و جناسهایی نو می‌آفریند. این جناسها عموماً از نوع غیرتام هستند که عرصه وسیعتری برای نوآوری ایجاد می‌کند.

الف. در برخی از این نوع جناسها هر دو واژه نوهستند؛ مانند:

حساب جاری من گو ببند باجه بانک که من به بودجه عمر اعتبارم نیست
(دیوان شهریار، ج ۱: ص ۱۲۸)

که هر دو واژه «باجه» و «بودجه» امروزین هستند.

نمونه‌ای دیگر از این دست:

گر آسمان وظیفه شاعر نمیدهد گو نام هم به خفیه بلیسد ز لیستم
(دیوان شهریار، ج ۱: ص ۲۸۹)

بار فراق یار فلک غر کند که کاش این بار را به پشت رقیب یُغر زند
(دیوان شهریار، ج ۱: ص ۲۱۱)

ب. در برخی دیگر از بیتها اصطلاحات یا واژه‌های نو و امروزین را در کنار واژه‌های

قدیمی قرار میدهد. برای نمونه:

در کام شیر رفتم و انگار چون ممه طفلی گرفته گاز به دندان شیرم
(دیوان شهریار، ج ۱: ص ۳۲۸)

در این بیت «دندان شیری» را در کنار «شیر» جنگل قرار میدهد

یا در بیت زیر با «خال» و «چال» جناس غیرتام نوی می‌آفریند:

خالی فتنه به گونه‌ات از نوشخند و دل زان خال اگر گذشت بدین چال میبری
(دیوان شهریار، ج ۱: ص ۳۹۷)

سه نمونه دیگر از همنشینی واژه نو و دیرینه:

خورد سکندر سکندری که از این جام خضر وفاکیش پی خجسته خورد آب
(دیوان شهریار، ج ۱: ص ۹۶)

برای خاطر خوش رقصهای نوپرداز گهی حجاز به آهنگ حجاز میخوانم
(دیوان شهریار، ج ۱: ص ۳۱۴)

سایه پرور ماه من بفکن کلاه سایه گستر تا نگرده آفتاب از شرم رویت آفتابی
(دیوان شهریار، ج ۱: ص ۳۸۰)

که آفتابی شدن اصطلاحی امروزی است.

این نوع جناس شاهی است بر این که شهریار زیبایی لفظی واژه‌ها را کاملاً حس میکرده‌است و خلاقانه از آن استفاده کرده و در برخی موارد مانند بیت زیر این زیبایی لفظی با تناسب (در این مورد تضاد) معنایی نیز به خوبی همراه شده.

خضرم از آب بقا شست و صفا داد مرا از فنا لخت شدم رخت بقا داد مرا
(دیوان شهریار، ج ۱: ص ۸۱)

در واقع شهریار به جناسهای کلیشه و تکراری که گاه شاعران سنتی از سر عادت و حتی ناخودآگاه به کار می‌برند اکتفا نکرده‌است.

و نمونه‌هایی دیگر از جناسهای این گروه (جناس با واژه‌های نو):

دگر به جای تو خوش کرده‌ام خیال تو را هوا پس است تو هم بعد از این هوا داری
(دیوان شهریار، ج ۱: ص ۳۹۵)

همتی کن که به هر باد و دم از رو نیروی پشه گر پیل کند پیل دمان این همه نیست
(دیوان شهریار، ج ۱: ص ۱۳۴)

پیش پای پیک جانان گر بجنبی کم کمک هر قدم از همت پاکان به جان یابی کمک
(دیوان شهریار، ج ۱: ص ۲۸۲)

چشمم پرید تا به رخس کی نظر کنم چشمی به خوش نشینی این ور پریده نیست
(دیوان شهریار، ج ۱: ص ۱۲۳)

دو هفته رفت و هنوز آن مه دو هفته نیامد برشته گشت دل و آن به رشت رفته نیامد
(دیوان شهریار، ج ۱: ص ۱۹۹)

گفتمش هاله ماه است غبار خط یار گفت این هم به کسی گوی که هالو باشد
(دیوان شهریار، ج ۱: ص ۱۸۵)

مژگان دلنواز به هم برزند به ناز تا دل دوباره در صف عشاق بُرزند
(دیوان شهریار، ج ۱: ص ۲۱۱)

این گروه از جناسها که حدود بیست درصد کل جناسها را در برمیگیرد نیز همه همراه با نوآوری و ابتکار است.

۴. جناسهای تام نو

طبیعتاً از آنجایی که تعداد جناس تام در زبان بسیار محدودتر از جناس غیر تام است نوآوریهای شهریار در این مورد اندک و محدود به نمونه‌های زیر است. در واقع باید واژه‌های با تلفظ کاملاً یکسان و معنای متفاوت در زبان وجود داشته باشد و شاعری در این زمینه

چندان ابتکاری نمیتواند داشته باشد. با این حال درغزل شهریار چند نمونه جناس تام نو دیده میشود:

این دیر مغان ته چک ایران قدیم است اینجاست که من بی چک و بی چانه بمیرم
(دیوان شهریار، ج ۱: ص ۳۰۷)

دلم جواب بلی میدهد صلای تو را صلا بزن که به جان میخرم بلای تو را
(دیوان شهریار، ج ۱: ص ۶۶)

منطق و صغری و کبری منتفی شد در زمان تا که صرف و نحو خواهد باچه نحوی صرف شد
(دیوان شهریار، ج ۱: ص ۱۹۰)

۵. جناسهای مرکب نو

جناس مرکب از خلاقانه‌ترین انواع جناس است زیرا در آن تنها حضور ذهن و تسلط شاعر بر دایره مفردات زبان کافی نیست بلکه ذهن خلاق شاعر با کنار هم قرار دادن مفردات زبان گروههایی از واژه‌ها و تکواژها را میسازد که با هم جناس تام و یا غیرتام دارند. تعداد جناسهای مرکب در کل غزل سبک عراقی نسبت به دیگر انواع جناس چندان زیاد نیست با این حال جناسهای مرکب نو و تازه در غزل شهریار چشمگیر و قابل توجه است.

برای نمونه در بیت زیر

تیشه‌خانه برانداز پیشانیان بود آنچه بر طره زلف تو پری شانه زدند
(دیوان شهریار، ج ۱: ص ۲۰۹)

با واژه‌های متداول در سبک عراقی جناس مرکب غیرتام زیبایی ساخته است.

در دو بیت زیر نیز همین طور:

به شهر ما چه غزالان که باده پیمایند چه جای عشوه غزالان بادپیمای را
(دیوان شهریار، ج ۱: ص ۷۸)

تکیه بر مصطبه صدرنشینان دادند وز کف سدره نشینان می مستانه زدند
(دیوان شهریار، ج ۱: ص ۲۰۹)

و یا بیت زیر که جناس مرکب زیبا و تازه‌ای است و تناسب معنایی جالبی نیز بیت دو واژه جناس وجود دارد:

به بورپای صفا قصه من و ما نیست از آن به سینه ما عشق بی ریای شماست
(دیوان شهریار، ج ۱: ص ۱۱۲)

در برخی دیگر از جناسهای مرکب نو از واژه‌ها اصطلاحات امروزی استفاده کرده است؛ برای نمونه:

دارد متاع عفت از چار سو خریدار بازار خودفروشی این چار سو ندارد
(دیوان شهریار، ج: ۱، ص: ۱۵۹)

هر پرده صحنه سازی صد لوح عبرت است گر خاطرات سینه ماسینما کنند
(دیوان شهریار، ج: ۱، ص: ۲۲۰)

زندگی باماش جز پیکار و جز پر خاش نیست ور بود با هر نخودش آشتی با ماش نیست
(دیوان شهریار، ج: ۱، ص: ۱۲۶)

و یا نمونه زیر که از زیباترین جناسهای مرکب شهریار است.

به کنج سینه این پیر محنت آبادی هنوز دل به تمنای بهجت آباد است
(دیوان شهریار، ج: ۱، ص: ۱۰۳)

«بهجت آباد» منطقه خوش آب و هوایی در تهران قدیم (در خیابان حافظ امروزی) بوده است که قرارهای عاشقانه دوره جوانی شهریار در آنجا بوده. او در روزهای پیری و کهولت خود را غمگین و محنت زده و در آرزوی دیدارهای عاشقانه بهجت آباد میداند و واژه «محنت آباد» را در تناسب لفظی-معنایی با واژه بهجت آباد ضرب میکند.

۶. جناسهای مفصل

همانطور که پیش از این ذکر شد در جناس «مفصل» با واژه‌هایی روبرو هستیم که ترکیبهای دوتایی از آنها جناس است که هر کدام میتواند نوع متفاوتی از جناس باشد. برای نمونه در بیت زیر «مدار» با «مدیر» جناس غیرتام، «مدار» با «مراد» جناس قلب و «اداره» و «مدیر» و «مدار» جناس اشتقاق دارند.

دگر مدار فلک بر مراد خواهد بود که این اداره به دست مدیرمی آید
(دیوان شهریار، ج: ۱، ص: ۲۴۵)

و یا در بیت زیر واژه‌های «ترازو»، «ترازی» و «تراز» دو به دو جناس غیرتام دارند
اگرچه ماه به خورشید هم ترازو نیست منش گهی به ترازی تر از میخوانم
(دیوان شهریار، ج: ۱، ص: ۳۱۴)

نمونه‌هایی دیگر از این دست:

آن سرو ناز هم که به باغ ارم درست فرد و فرید هست ولیکن فریده نیست
(دیوان شهریار، ج: ۱، ص: ۱۳۳)

چو پیش خنده گل ابر آزاری کند زاری مرا در سر هوای ناله های زار زار آید
(دیوان شهریار، ج: ۱، ص: ۳۲۹)

در ساخت جناسهای مفصل نیز شهریار از واژه‌های امروزی استفاده کرده‌است. برای نمونه:
نیست در آب کرج لطف و صفایی یارب فرجی تا برسم بر کرجیهای ارس
(دیوان شهریار، ج: ۱، ص: ۲۶۶)

در موارد استثنایی با دو جناس مفصل روبرو هستیم. برای نمونه:
کیف دنیاخم و خمخانه به نادانش ده کآن نه خمی که خمار از سر دانا ببرد
(دیوان شهریار، ج: ۱، ص: ۱۶۶)

که «خم» و «خمر» و «خمخانه» یک جناس و «دنیا» و «نادان» و «دانا» جناسی دیگر است. در جناس اول «خم» و «خمر» جناس غیرتامند و «خمخانه» با دو واج /x/ و /m/ موسیقی این جناس را افزایش داده و در جناس دوم «دنیا» و «دانا» یک جناس غیرتام و «دانا» و «نادان» یک جناس اشتقاق ساخته‌اند.
و یا در بیت

برق این جلوه نه تنها به کلیم و سیناست هر سری سری و هر سینه سنایی دارد
(دیوان شهریار، ج: ۱، ص: ۱۶۳)

«سر» و «سر» یک جناس غیرتام و «سینه» و «سینا» و «سنا» یک جناس مفصل است که اشتراک واج /s/ در این دو جناس موسیقی هر دو جناس را برجسته‌تر ساخته‌است.
نمونه‌های دیگری از جناس مفصل:

آه از آن عشق که با شعشعۀ شوق و شباب چه جلا داشت دریغا اجلی عاجل بود
(دیوان شهریار، ج: ۱، ص: ۲۲۹)

تخم لق در دهن خلق شکستن حرب است تا چکو چانه به هر لقلقه‌ای لق نکنیم
(دیوان شهریار، ج: ۱، ص: ۳۳۳)

صوفی صافیم به کعبۀ دل از سر صفۀ صفا بروم (دیوان شهریار، ج: ۱، ص: ۳۲۰)
صوفی صفا به مشرب صافی دلان نکرد صافی دلان به مشرب صوفی صفا کنند
(دیوان شهریار، ج: ۱، ص: ۲۲۰)

هیچ الف قدی به الف ما نخواهد بر شدن قرن ما هم با الف قدی نخواهد الف شد
(دیوان شهریار، ج: ۱، ص: ۱۹۱)

کیفر مده به کافر عشق ای صنم که کفر با کافر از ندامت کوبنده کیفر است
(دیوان شهریار، ج: ۱، ص: ۱۰۵)

گر من از مویه شدم مویی رفتم ز میان به فدای تو که ای موی میان این همه نیست
منت به یک نگه آهوانه میبخشم هرآنچه‌ای ختنی خط من خطا کردی
(دیوان شهریار، ج: ۱، ص: ۳۸۷)

نزدیک به بیست و هشت درصد کل جناسهای غزل شهریار جناسهای مفصل است که به طور کلی این نوع از جناس در شعر او برجستگی خاصی دارد و از موارد ابتکاری او و ویژگی سبکی او در جناس است.

جناس همراه با «واج آرای» و «تکرار»

آنچنانکه ذکر شد میتوان جناس را «تکرار ترکیبی از واجها» دانست. بنابراین اگر واجهایی که در واژه‌های جناس هستند در واژه‌های دیگر بیت تکرار شوند آن جناس طنین و پژواک بیشتری می‌باید و بیت به مرز واج آرای نزدیک میشود.

برای نمونه در بیت زیر از شهریار جناس غیرتام در واژه‌های «اختیار» و «بختیار» است اما تکرار واجهای /X/ و /t/ در واژه‌های «بخت» و «اختر» بر موسیقی جناس افزوده‌است.

هر که بختش یار شمع بزم خود یابد مرا اختری در اختیار بختیار انم چوشمع
(دیوان شهریار، ج ۱: ص ۲۷۹)

و یا در بیت زیر جناس قلب در «خلیا» و «خیال» است اما آمدن واجهای /X/ و /l/ در واژه «خلسه» طنینی به این جناس بخشیده‌است:

تا تشنه‌ام از چشمک مخمور کواکب شبه‌ا منم و خلسه خلیای خیالت
(دیوان شهریار، ج ۱: ص ۱۴۵)

شهریار در موارد برای بالا بردن طنین واجهای واژه‌های جناس، از آرایه «تکرار» هم استفاده میکند. برای نمونه در بیت زیر جناس مفصل بین واژه‌های «بلا»، «بالا» و «بالین» وجود دارد که تکرار «بالا» و «بلا» موسیقی کلام را بیشتر کرده. این در حالی است که ساختار صرفی متفات «بالا» و «بلا» در دو مصرع، این تکرار را از حالت تکرار صرف خارج کرده‌است. تو ای بالا بلا دلبر بگو منزل کجا داری خدا را سر به بالین نه که ای بالا بلا داری
(دیوان شهریار، ج ۱: ص ۳۹۳)

و یا در بیت زیر

تویی که جوهرجانی و جان هر دو جهانی منم که از دو جهانم به چابکی بجهانی
(دیوان شهریار، ج ۱: ص ۴۱۶)

واژه‌های «جان»، «جهان» و «بجهانی» جناس مفصل بیت هستند که آوردن واژه «جوهر» و تکرار واژه «جان» و «جهان» موسیقی لفظی این جناس را بیشتر کرده‌است.

نمونه دیگر از این دست بیت زیر است:

تا سگ گله به دام و تله چون موش نساخت حمله این گرگ دله با گله میش نکرد
(دیوان شهریار، ج ۱: ص ۱۷۱)

در این بیت در کنار جناسِ واژه‌های «گله»، «دله» و «تله»، تکرار واژه «گله» و همین‌طور تکرار واجهای /g/ و /l/ در واژه‌های «سگ»، «گرگ» و «حمله» موسیقی لفظی بیت را بالا برده‌است.

نمونه‌ای دیگر از آفرینش همزمان آرایه جناس و تکرار و واج‌آرایی:
هیچ آفریده‌ای به جمال فریده نیست این لطف و این عفاف به هیچ آفریده نیست
(دیوان شهریار، ج: ۱، ص: ۱۳۳)

توجه به فاصله واژه‌های جناس

در برخی منابع به محل قرارگیری واژه‌های متجانس اشاره‌ای شده‌است مانند اینکه اگر واژه‌های متجانس در دو مصرع یا دو جمله قرینه باشند برجسته‌تر و زیباتر میشوند. (بدیع از دیدگاه زیبایی‌شناسی، وحیدیان کامیار: ص ۲۶) اما نکته‌ای که در بررسی جناس در بیشتر منابع سنتی مغفول مانده‌است فاصله واژه‌های متجانس است. طبیعتاً هرچه فاصله این واژه‌ها کمتر باشد شباهت لفظی واژه و موسیقی حاصل از آن محسوس‌تر است. شهریار به این نکته توجه داشته و برخی جناسهای او شاهدهی بر این مدعاست. برای نمونه:

آفرینش همه یک جلوه‌جوآله‌توست وه چه فواره‌فوری فورانی گل من
(دیوان شهریار، ج: ۱، ص: ۳۵۹)

که در مصرع اول دو و در مصراع دوم سه واژه جناس کنار هم قرار گرفته‌است.
نمونه‌های دیگر از این دست:

ای که دل محرم اهرام هنر می‌خواهی محترم دار حریم حرم حرمان را
(دیوان شهریار، ج: ۱، ص: ۸۶)

تصویر بی کرانه مگر میتوان کشید تمثال بی‌مثال به تمثال میکنند
(دیوان شهریار، ج: ۱، ص: ۲۲۳)

خضاب روکش و تذهیب خط شیطانی است مذاب مذهب لامذهبی که من دارم
(دیوان شهریار، ج: ۱، ص: ۳۰۰)

سخن به عاریت از دیگران نمی‌گیرد که شهریار از این عار و عاری تعاری است
(دیوان شهریار، ج: ۱، ص: ۱۱۴)

بدین ترتیب شهریار روش محافظه‌کارانه و کلیشه‌ای آفرینش جناس را کنار می‌گذارد و با آفرینش همزمان و پیوسته آرایه‌های «جناس» و «تکرار» و «واج‌آرایی» موسیقی لفظی کلام را بالا می‌برد.

نتیجه

دقت در جدول شماره ۱ و بخشهای دیگر این پژوهش نتایج زیر را روشن میسازد:

ردیف	نوع جناس	درصد
۱	جناسهای تکراری	۲۵
۲	جناسهای نو با واژه‌های کهن	۱۷
۳	جناسهایی با واژه‌های نو	۲۰
۴	جناسهای تام نو	۲
۵	جناسهای مرکب نو	۸
۶	جناسهای مفصل	۲۸
	مجموع	۱۰۰

۱. نزدیک به ۲۵ درصد جناسهای غزل شهریار عیناً همان جناسهای تکراری غزل سبک عراقی است.

۲. بیش از ۴۰ درصد جناسها با همان واژه‌های غزل سبک عراقی ساخته شده‌است.

۳. نزدیک به ۷۵ درصد جناسهای غزل شهریار با نوعی ابتکار همراه است.

۴. جناس تام به عنوان محدودترین نوع جناس کمترین سهم را در نوآوری های شهریار دارد.

۵. با وجود کم بودن سهم جناسهای مرکب در غزل سبک عراقی، سهم این نوع جناس در غزل شهریار قابل توجه است.

۶. شهریار در نوعی از جناس بیش از دو واژه متجانس را کنار هم قرار میدهد. این نوع جناس را که «مفصل» نامیده شد باید از برجستگیهای سبکی آرایه جناس در غزل شهریار دانست.

۷. بیشترین سهم جناس از آن جناس مفصل است که بیست و هشت درصد کل جناسها را در بر میگیرد.

۸. از دیگر ابتکارات مهم شهریار در آفرینش جناس استفاده از آرایه‌های «تکرار» و «واج آرایی» در کنار جناس برای پرطنین کردن آن است.

منابع

۱. ادوار شعر فارسی، شفیعی کدکنی، محمدرضا، سخن، تهران: ۱۳۸۰
۲. این ترک پارسی‌گوی، منزوی، حسین، برگ، تهران: ۱۳۷۲
۳. بدیع از دیدگاه زیبایی‌شناسی، وحیدیان کامیار، تقی، سمت، تهران: ۱۳۸۸
۴. دیوان شهریار، شهریار، محمدحسین، دو جلدی، نگاه، تهران: ۱۳۸۱
۵. دیوان غزلیات، حافظ، خواجه شمس‌الدین محمد، به تصحیح محمد قزوینی و قاسم غنی، نگاه، تهران: ۱۳۷۲
۶. سنت و نوآوری در شعر معاصر، امین‌پور، قیصر، علمی و فرهنگی، تهران: ۱۳۸۴
۷. فرهنگ اصطلاحات ادبی، داد، سیما، مروارید، تهران: ۱۳۸۵
۸. فنون ادبی، احمدنژاد، کامل، پایا، تهران: ۱۳۷۲
۹. کلیات سعدی، سعدی، مصلح‌الدین، به تصحیح محمدعلی فروغی، نامک، تهران: ۱۳۸۰
۱۰. موسیقی شعر، شفیعی کدکنی، محمدرضا، آگه، تهران: ۱۳۸۱
۱۱. نگاهی تازه به بدیع، شمیسا، سیروس، فردوس، تهران: ۱۳۷۹